

بی وفایی به نیروهای وفادار

۸ آذر ۱۳۹۵ ساعت ۱۹:۱۱

شب که به خانه آمدم پیش خود گفتم مرگ از این زندگی بهتر است که شاه به اندازه‌ی یک سگ هم برای سپهبدش ارزش قائل نیست.

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی



آمریکا و نفت چنان باعث پشت گرمی شاه شده بودند که به تدریج همه چیز را به فراموشی سپرد. حتی نیروهای وفادارش را. آنانی که خود نوکر و غلام خانه زاده می دانستند. گاهی این کم اهمیت شمردن دیگران آنان چنان می شد که این افراد از حیوانات نیز پست تر می شدند:

«در زندان که بودم با سپهبد نجیمی نائینی آشنا شدم. ایشان تعریف می کرد که من با درجه ی سپهبد افسر کشیک کاخ بودم. روزی شاه در حالی که خودش پشت رل نشسته بود وارد کاخ شد. من تا جلو پله ها به استقبالش رفتم؛ در ماشین را باز کردم، همین که بیرون آمد سگ معروف دانمارکی او به طرفش دوید و شروع به لیسیدن پایش کرد. شاه دقیقه ای نشست و او را نوازش کرد و سپس برخاست و رفت، در تمام این مدت حتی یک نگاه به من هم نکرد. شب که به خانه آمدم پیش خود گفتم مرگ از این زندگی بهتر است که شاه به اندازه ی یک سگ هم برای سپهبدش ارزش قائل نیست. چه بسا شاه هم باطنا قصدش تحقیر آنان نبوده ولی چون آنان را نسبت به خود وفادار می دانست اهمیتی برای آنان قائل نبود.» ۱

۱- احسان نراقی، گفتگو با احسان نراقی، به کوشش: مرتضی رسولی پور، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۹۴، ص ۵۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۳۰۵۹/بی-وفای-نیروهای-وفادار>